

روزنامه‌بان

۶ در معنای استکبار

معصومه موسی زاده

همان طور که در مقاله پیشین گفته شد، همه انسانها در طول تاریخ، خواسته یا ناخواسته؛ تحت سرپرستی ولایت الهی یا ولایت شیطانی بوده اند. برجسته ترین اولیاء باطل یعنی مستکبرین، کسانی هستند که گمراه اند، خود را از همه برتر می بینند، و می‌خواهند بقیه را هم با خود، به چاه ضلالت ببرند. اما زمینه های شکل گیری استکبار چیست؟ همه می دانیم که دنیا، با یک نظم خاصی آفریده شده و یک سری حقایق در آن وجود دارد که با درک و عمل به آنها میتوان رشد کرد، و حرکت برخلاف آنها، نابودی انسان را به دنبال دارد.

یکی از آن موارد، ملاک برتری است؛ طبق حقایق عالم، معیار برتری فقط تقوا است؛ و بطور طبیعی، هرکس که معیار دیگری را، ملاک برتری خود قرار دهد، سقوط خواهد کرد. و ریشه گمراهی مستکبران هم دقیقا همین جاست که آنها به مواردی برای ارزشمندی خود اشاره میکنند که تکیه بر آنها فقط باعث غرور میشود. خداوند در قرآن کریم به تعدادی از این ریشه ها اشاره کرده است:

اول؛ برتری نژادی؛ هنگامی که خداوند به شیطان امر می کند که بر آدم سجده کند، آن لعین، میگوید: "من از او برترم، زیرا مرا از آتش و او را از خاک آفریدی". آیا حقیقتا آتش از خاک ارزشمند تر است؟ یا فقط از این جهت میگوید که برتری خود را اثبات کند؟ مانند یهودیان امروز که نژاد خود را نژاد برتر میدانند و خلقت مابقی انسانها را برای خدمت به خود قلمداد میکنند.

کهان کردند که با وجود علم و دانایی خود، دیگر

نیازی به دستورات خداوند ندارند و همه چیز را می توانند با همین علوم، تسخیر خود کنند و جهانی دیگر را بسازند. این تفکر امروزه در کجا یافت می شود؟

مورد بعدی، غرور علمی است؛ آنجا که خداوند می فرماید: "هنگامی که رسولان‌شان، دلایل روشن برایشان آوردند، به دانشی که خود داشتند خوشحال شدند...". ینی آنها گمان کردند، که با وجود علم و دانایی خود، دیگر نیازی به دستورات خداوند ندارند و همه چیز را می توانند با همین علوم، تسخیر خود کنند و جهانی دیگر بسازند، این تفکر امروزه در کجا یافت می شود؟ درعلومی که وجود خدا را، در هیچ جای آنها نمیتوان جستجو کرد.علومی که همه عالم را طبق ماده می سنجند و انسان را طبق اعضای بدنش! حالا شاید بهتر بفهمیم که چرا برعلوم انسانی-اسلامی، تاکید می شود. زیرا که این علوم غربی، با ورود خود به عرصه تفکر ما، اندیشه های دینی ما را کم کم کنار میزنند و نوعی روحیه بی نیازی از خداوند را در ما تقویت میکند؛ چرا که ما فکر می کنیم در علم، همه چیز را یافته ایم و نیازی به دستورات الهی نمی بینیم!

و آخرین مورد، امکانات و قدرت اقتصادی است! آنجایی که خداوند در بیان سرنوشت قوم عاد می فرماید، "ما به آنان قدرت و مکتبی در زمین دادیم که به شما(کفار مکه) چنان توانایی نداده ایم". یعنی تجهیزات و رشد مالی که آنها داشتند، باعث شده بود گمان کنند که از دیگران برترند و حق دارند هرآنچه که می خواهند بکنند، نظایر این مورد در قرآن کریم فراوان است که یکی از بارز ترین آن، فرعون است. او که از جهت اقتصادی، برترین زمان خود بود و با تکیه بر همان اموال، ندای انا ربکم الاعلی سر میداد و هرکس را که تمایل پیوستن به دین خدا را داشت، به بدترین وجه، مجازات میکرد(بریدن دست ها و پاها ی سحرانی که به موسی ایمان آورده بودند). اینها ، امروزه شما را به یاد چه می اندازد؟! کشوری که خود را قطب اقتصادی جهان می دانست و با تکیه بر آن، ندای "دهکده جهانی" سر میداد و سرنیزه اقدامات وحشیانه اش هم نصیب کشور های مسلمان میشدو، فقط با "ایران شیعه هسته ای" مشکل دارد. فقط با اسلام. استکبار جهانی، همیشه نماینده ابلیس است. گاهی قوم عاد، گاهی فرعون، و امروز آمریکا!

آنهایی که خواب آمریکا را میبینند خدا بیدارشان کند. امام خمینی «ره»

سیاست

۷ حل مشکلات ۸ ساله در ۱۰۰ روز !!!

در روزهای پرحرارت انتخابات ودر میان تمامی تبلیغات بعضا پرزرق وبرق برخی کاندیداها که هریک وابسته به حزب وگروهی بودند،اکثر مضامین تبلیغاتی پیرامون حل مشکلات اقتصادی وارتقای وضع معیشتی مردم بود.اما در میان تمامی این شعارها، سرانجام مردم پس از مدتی بی اعتمادی و مشاهده نوسانات اقتصادی از قبیل نوسانات قیمت ارز، قیمت دارو، تورم بالای ۵۰٪ به همراه هدفمندی یارانه ها درعین هدرمندی!ودر صدر آن رشد نرخ تورم ۴۲٪به شعار"حل مشکلات اقتصادی در ۱۰۰روز" اقبال نشان دادند که منجر به رخ دادن حماسه ۲۴خرداد وبرسرکارمدن دولت "تدبیروامید" شد. دولتی که پس ازتجربه دوران ناامیدی بانام تدبیروامید وبا رای قاطع مردم کار خود را آغاز کرد، در پیش روی خود اقتصادی را باچالش هایی بسیار واساسی که نتیجه اشتباهات بعضاً سیاسی وقطعا اقتصادی دولت سابق است می یابد. برخی براین باورند که حل مشکلات اقتصادی به معنای ریشه کن کردن آنهاست درحالی که در دنیایی که تمام پیش بینی هاوتحلیل های اقتصادی آن نسبی است نمیتوان توقع حل کامل مشکلات را داشت.آن هم در مدت ۱۰۰روز! دراین گونه موارد بهترین نحوه حل مشکلات جلوگیری ازپیشرفت آنهاست درست مانند درمان مرحله ای سرطان. گاهی برای رسیدن به مطلوبیت مطلق باید مطلوبیت نسبی را تجربه کردواین ممکن نیست جزباجلوعگیری ازپیشرفت اشتباه که دولت یازدهم توانست با درابتدا ثابت نگه داشتن نرخ تورم وسپس با کاهش آن

چرا درباره توافقنامه ژنو حرف های متناقض

۸ می شنویم؟

وحید یامین پور

نکته مهم در اختلاف نظرهای موجود درباره ژنو ۳ به تفاوت میان متن توافقنامه و متن بیانیه توضیحی ۵+۱ برمیگردد. آنجیزی که ایسا به عنوان متن توافقنامه منتشر کرد درواقع متن بیانیه ای بود که امریکا به نمایندگی از ۵+۱ در سایت کاخ سفید منتشر کرده بود. یعنی همان چیزی که اوپاما و کری گفتند: تعطیلی اراک، از کار افتادن سه چهارم سانتریفوژ ها، عدم شناسایی حق غنی سازی ایران و... در واقع این دو متن در تعهدات ۵+۱ مشابه اند ولی در تعهدات ایران به و این یعنی اینکه معاهده مبهم است. تاکنون پنج کشور اعتراضی نکرده اند.

ولی آنچنان که رییس جمهور محترم به طور قاطع از ادامه غنی سازی آنهم به شیوه سابق سخن گفتند معلوم میشود دولت هم از بی تهددی دفاعی و ناگهانی ۵+۱ آنهم دقیقی بعد از امضای توافقنامه بسیار ناراحت است و به همین دلیل هر دو طرف ادامه منازعه را به رسانه ها کشانده اند تا تفسیر خود از توافق ژنو ۳ را رسمیت ببخشند.

به عبارتی می توان گفت با اصرار آمریکا بر بیانیه ی خود، در عمل توافقی بین دو طرف اصلی یعنی ایران – آمریکا ایجاد نشده و برای ۵+۱ مبنای ارزیابی رفتار ایران پس از شش ماه همان تفسیر امریکا خواهد بود نه تفسیر ما؛ و اگر تفسیر ما مبنا بود که باید بر اساس ماده ۴ معاهده همه چیز همان ده سال پیش حل میشد. هیچکس حق ندارد تیم مذاکره کننده را فریبکار بداند. از لحن و اخم وزیر همیشه خندان ما هم میشد فهمید که او هم از رفتار وزیر امور خارجه و رییس جمهور آمریکا آنهم پس از چند شبانه روز چانه زنی فشرده، شوکه شده.. آیا شما از آمریکا غیر از این انتظار داشتید



فرهنگ

مقام معظم رهبری : فرهنگ، این همان چیزی است که حاضرم بخاطرش جانم را فدا کنم.

۱۱ سقوط کاخ سفید

سجاد هاشمی

جان کیل مامور حفاظت از کنگره آمریکا، که با درخواست او برای پیوستن به سازمان اطلاعات و امنیت مخالفت شده است، همراه دخترش در یک تور تفریحی کاخ سفید شرکت می کند، اما همزمان یک گروه شبه‌نظامی به کاخ سفید حمله کرده و قصد دارند "جیمز سایر" رئیس‌جمهور آمریکا را برای فعال سازی بمب‌های اتمی و حمله به کشور عزیزمان به گروگان بگیرند. در شرایطی که کج و مرج کشور را فرا گرفته، کیل باید رئیس‌جمهور آمریکا ، کشور و دخترش را نجات دهد و اگر بخواهیم دقیق تر بگوییم او قرار است جلوی جنگ جهانی سوم را بگیرد . سقوط کاخ سفید به کارگردانی رولند امریش- کارگردان آلمانی یهودی –می باشد که ساخت این فیلم بودجه‌ای ۱۵۰ میلیون دلاری را رقم زده است و «کمپانی کلمبیا» حامی مالی این فیلم می باشد. در این فیلم که محصول سال ۲۰۱۳ است بازیگرانی همچون جیمی فاکس، چانینگ تاتوم و مگی جلینهال ایفای نقش کرده‌اند.

به جرئت می توان گفت که این فیلم یک پس رفت نسبت به فیلم قبلی او یعنی ۲۰۱۲ می باشد .

فیلمنامه این فیلم کاملا بر اساس اطلاعات و دیپلماسی کاخ سفید بوده و همسو با اهداف آنان طراحی گردیده
این فیلم را می توان دنباله ی فیلم های گذشته ضدایرانی هالیوود دانست با همان سبک و سیاق و ادبیات که دولت آمریکا را به ظاهر بی طرف و صلح جو نشان می دهد و در طرف مقابل این عوامل خارجی و و کشور های دشمن او هستند که مصوب اصلی تمام اتفاقات بد فیلم می باشند .

در قسمت ابتدایی فیلم می توان دیالوگ هایی را از ریس جمهور آمریکا مشاهده کرد که به طور غیر مستقیم به مخاطب خود می فهماند که اگر خاورمیانه و به طور خاص ایران باعث جنگ ها و اتفاقاتی نظیر ۱۱ سپتامبر می باشد از سر وضعیت بد اقتصادی ، گرسنگی و فقر این کشور هاست و تنها این رابطه با آمریکا و متحداثش است که راه راهایی و نجات و ایجاد صلح در خاورمیانه می باشد .



در فیلم به گونه های متفاوت و از طریق اشخاص مختلف به صورت مستقیم و غیر مستقیم اتهاماتی به کشور ایران زده می شود مبنی بر وجود همکاری ایران با شرکت های بزرگ جنگ افروز سازنده سلاح و ایجاد خشونت در منطقه ، که نمونه هایی از آن را می توان در سکنس هایی از فیلم مشاهده کرد .

یکی از نکات بسیار جالب توجه و مشخص فیلم که هر بیننده ایرانی را مجذوب خود می کند این است که اگر به زمان اکران این فیلم خوب توجه کنید متوجه می شوید که اکران آن تقریبا یک هفته بعد از انتخابات ریاست جمهوری ایران و انتخاب دکتر روحانی می باشد

در طول این فیلم می بینیم که شش ماه قبل از مجمع عمومی سازمان ملل ، رئیس‌جمهور آمریکا با رئیس‌جمهور ایران مذاکراتی را انجام داده است و نیز ریس‌جمهور آمریکا صراحتا می گوید که ما " مذاکرات تاریخی "را با ریس‌جمهور تازه ایران " الشریف " آغاز کردیم

به جرئت می توان گفت که طرح و برنامه ریزی مذاکرات با ایران و حتی نحوه ارتباط و تماس تلفنی صورت گرفته بین دکتر روحانی و باراک اوپاما برنامه ای از پیش تعیین شده و استراتژی بوده که با در اختیار قرار دادن این اطلاعات به کارگردان این فیلم و نمایش آن سعی در آماده سازی افکار عمومی مردم دنیا و خاصه مردم ایران و آمریکا برای شکستن این تابوی ۳۵ ساله داشته اند تا از این طریق به برد رسانه ای مد نظر خود برسند .

و در پایان می توان گفت هدف اصلی فیلم نشان دادن موفقیت برنامه صلح ریس‌جمهور آمریکا میان کشور های خاورمیانه است که به طور مشخص تمامی این المان ها برای نشان دادن صلح میان ایران و رژیم صهیونیستی و در کنار هم قرار گرفتن نام و توافق نامه بین کشور ایران و رژیم غاصب اسرائیل است .

۱۲

مقام معظم رهبری: از تعداد سه میلیون و نیم دانشجو که در کل کشور داریم دو میلیون از آنها در رشته های علوم انسانی مشغول به تحصیل هستند این مقداری نگران کننده است،ما در زمینه علوم انسانی کار بومی و تحقیقات اسلامی مگر چه قدر داریم؟، کتاب آماده در زمینه های علوم انسانی چه قدر داریم ؟ اساتیدی که اعتقاد به جهان بینی اسلامی داشته باشند و بخواهند جامعه شناسی، اقتصاد،مدیریت و ... تدریس کنند چه قدر داریم که این همه دانشجو می‌گیریم؟ بسیاری از علوم انسانی کنونی مبتنی بر فلسفه هایی است که مبنای آن مادی گرایی و

بی‌اعتقادی به تعلیم الهی و اسلامی است و آموزش سرمایه ی پایدار این علوم در دانشگاه ها منجر به ترویج شکاکیت و تردید در میانی دینی و اعتقادی دانسته شده.

در جوامع دانشگاهی ، علوم انسانی به مراتب کم اهمیت تر از ریاضی و علوم تجربی دانسته می شود و در پیشرفت و کارآمدی نظام اسلامی متأسفانه بعضا مسئولین کشور علوم تجربی و ریاضی را اولیت و اساس می‌دانند در حالی که این فکر مخرب و ویرانگری است. در حقیقت سرمایه ی پایدار و همیشگی هر جامعه افرادی هستند که برای ساختن جامعه‌ی آباد از لحاظ فکری و عاطفی و اجتماعی به نحو احسن تربیت شده‌ی آن محیط باشند
بر پایه های ارزشهای بومی ضربه بخوریم و این را باید بدانیم که حفظ انقلاب اسلامی در گرو موفقیت نظام سازی کار بزرگ و اصلی شماست این کاری پیچیده و دشوار است نگذارید الگوهای لائیک و لیبرالیسم غربی و .. خود را به شما تحمیل کنند .اردوگاه شرق چپ فروریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه روی پای خود بماند.هدف نهایی را باید امت واحد اسلامی با ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه ی دین و عقلانیت و اخلاق برقرار کند.

۱۳ جایگاه مردم در حکومت دینی چیست؟

نقش مردم در بینش دینی عینیت بخشیدن به حکومت

است . حاکم بعد از آن که مشروعیتش احراز شد اگر عنصر مقبولیت را نداشته باشد‌قادر به برقراری حکومت نیست . همانطور که امیر المومنین(ع) هنگامی که حاکمیت را قبول می کنند می فرمایند: " اگر حضوری بیعت کنندگان نبود و با وجود یاوران حجت بر من تمام نمی شد ... رشته کار(حکومت) را از دست می گذاشتم." در صورتی که مقبولیت مردمی نباشد حاکم توان تشکیل حکومت ندارد اگرچه حق حاکمیت داشته باشد.

اگر مردم نقشی در مشروعیت بخشیدن به حکومت ندارند انتخابات خبرگان رهبری چه دلیلی دارد؟ آیا این دخالت دادن مردم در مشروعیت نیست؟

رای به خبرگان رهبری رجوع به بینه است . به این معنا که کارشناسان دینی را بر می‌گزینیم تا برای ما راهنما باشند. هر انسانی برای اموری که در آن تخصص ندارد به کارشناسی و بین رجوع می کند. بعنوان مثال کسی که اجتهاد ندارد و نمی تواند احکام دینی را خودش استخراج کند به مرجع تقلید رجوع می کند. با این نگرش شرکت در انتخابات خبرگان رهبری زمینه ساز کشف رهبر می شود نه مشروعیت بخشیدن به آن.

نگاهی به مقاله ی "بشر در انتظار فردایی دیگر" از کتاب «فردایی دیگر» شهید آوینی

بسیار وحشتناک و پُر رنج می بیند.

« ... تولید انبوه انسان، آخرین دستاورد بیولوژی. « اگر کتاب تا به آخر بر همین ساق باقی می ماند، از حیطه « سانس فیکشن » خارج نمی شد: یک داستان علمی. اما از نیمه داستان، کم کم کتاب صورتی فلسفی به خود می گیرد. برنارد

مارکس، یک آلفای مثبت که در ارزش ها و اعتبارات دنیای متهور نو تردید کرده است، همراه با لنینا کراون به مالنایس می روند. یکی از اردوگاه هایی که در آن شصت هزار نفر از سرخوستان دنیای کهن به صورتی محصور و معتزل از دنیای تمدن زندگی می کنند. ... دنیای متهور نو در واقع صورت انتزاعی همین جامعه ای است که اکنون در مغرب زمین تحقق یافته است. فرد انسانی مستحیل در جمع شده است و اجازه ندارد

که عالمی متعلق به خویش داشته باشد. و اما از آنجا که این استحاله در همسویی و هم آهنگی با هوای نفس آماره انجام گرفته است، فرد خود را منقاد و مسیطر نمی یابد؛ افراد با توهمی از آزادی فریفته شده اند.

souzanban.ir

لزوم توجه به علوم انسانی و بومی سازی آن

به بهانه برگزاری همایش علوم انسانی اسلامی

میلاد ایمانیان

و ضرورت حل مسائل مادی و اجتماعی فراوان به علوم کاربردی مانند پزشکی و مهندسی اهمیت داده شد و در حیطه ی علوم انسانی آن قدر که شایسته بود کار نشد در حالی که توجه به علوم انسانی در کشورهای پیشرفته روز افزون شده و آنها به نقش انسان در پیشرفت اقتصاد و سیاست و ... خوب پی برده اند.

علوم انسانی در پردازش و ساختن‌فرهیختگان و نام‌آوران و شخصیت های برجسته و مفاخر فرهنگی کشورهای مختلف نقش اساسی دارد و جامعه علمی ایران توانایی شکوفایی استعدادهایی نظیر خواجه نصیرالدین طوسی،فارابی، ابوعلی سینا ،سهروردی و صدها دانشمند دیگر می‌باشد به شرط اینکه از این رکود و خشکی مزمن و خودباختگی که در برابر تنوریهای علوم انسانی غرب دچار شده ایم

به تکاپویی تازه و پرنشاط تبدیل شویم و تا زمانی که این دغدغه در آحاد جامعه حاصل نشود باید شاهد هرچه بیشتر مظلوم واقع شدن دین و معارف اسلام باشیم و از تعارض بین ارزشهای دینی و ارزشهای غیر دینی به علت عدم تولید کاربومی بر پایه های ارزشهای بومی ضربه بخوریم و این را باید بدانیم که حفظ انقلاب اسلامی در گرو موفقیت نظام سازی کار بزرگ و اصلی شماست این کاری پیچیده و دشوار است نگذارید الگوهای لائیک و لیبرالیسم غربی و .. خود را به شما تحمیل کنند .اردوگاه شرق چپ فروریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه روی پای خود بماند.هدف نهایی را باید امت واحد اسلامی با ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه ی دین و عقلانیت و اخلاق برقرار کند.

اگر حاکم ، مقبولیت خود را از دست بدهد چه باید بکند ؟ باید حکومت را رها کند یا با فشار و زور حاکمیت خود را تثبیت کند؟

قبل از پاسخ به این سوال ذکر این نکته ضروری است که مقبولیت حاکم از بین نرفته است و مردم در همه بحران ها و شرایط حساس نشان داده اند که خواستار حکومت دینی هستند. نکته ی دیگری که باز هم بر آن تاکید می نمیم این است که مشروعیت هیچ ربطی به مقبولیت ندارد و با از بین رفتن مقبولیت ، در مشروعیت تغییری ایجاد نمی شود. احتمال عدم مقبولیت در صورت دارد : اولین صورت این است که مخالفان در اقلیت باشند. در این صورت حاکم موظف است با مخالفان برخورد کند و آنها را وادار به اطاعت کند. همچنان که امیر المومنین در جریانات صفین ، نهران در جنگ جمل و... برخورد کردند. و همچنین برخورد امام (ره) با منافقان ، مجاهدین خلق و... . درست نیست که حاکم با تساهل و تسامح زمینه بروز افکار شیطانی برخی را ایجاد کند. دومین صورت این است که مخالفان در اکثریت باشند. در اینجا حاکم همچنان مشروعیت دارد (همانطور که قبلا هم گفته شد مشروعیت ربطی به مقبولیت ندارد) اما چون دیگر مقبولیت ندارد نمی تواند حاکم باشد و حکومت جایگزین حاکمیت طاغوت خواهد بود.

